

نوبنیاد

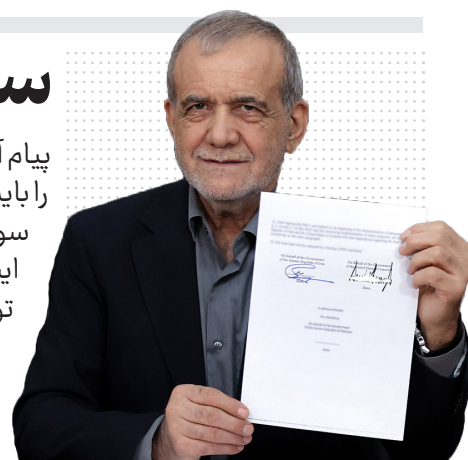
روزنامه سراسری
صبح ایران



سند مسئولیت

پیام آیت الله سید مجتبی خامنه ای درباره تفاهم نامه ایران و آمریکا را باید یکی از صریح ترین و تاریخی ترین پیام های صادر شده از سوی رهبران انقلاب دانست؛ پیامی که در آن هم مخالفت اولیه ایشان با رویکرد طی شده آشکارا بیان شد، هم مسئولیت این توافق متوجه بانیان آن شد و هم معیار موفقیت یا شکست تفاهم برای ملت ایران به روشنی مشخص گردید. اکنون دیگر هیچ کس نمی تواند پشت کلی گویی ها و تفسیرهای سیاسی پنهان شود.

۷



پیام راهبردی رهبر انقلاب تلاش برای بازنمایی از تغییر ریل جمهوری اسلامی را ناکام گذاشت

علی الاصول

پیام رهبری انقلاب در واکنش به تفاهم نامه ۱۴ بندی و تاکید بر اینکه نظر دیگری داشته اند، نشان داد که جمهوری اسلامی ایران، همچنان «علی الاصول» است یعنی بر اصول ثابت خود استوار است و تفاهم نامه کنونی صرفا حاصل اصرار دولت مستقرو همراهی رئیس تیم مذاکرات و اعضای شورای عالی امنیت ملی برای امتحان مسیر تفاهم بوده و مسئولیت این مسیر نیز بر عهده رئیس جمهور و اعضای شعام خواهد بود. ۲



مسئولیت تبعات
توافق با آمریکا
را بپذیرید

ثمره حذف مجلس از
فرایند تصمیم گیری
تفاهم اسلام آباد

نقاب نئوبرجامی های
حزب اللهی نما افتاد

پیام صریح رهبر معظم انقلاب در خصوص تفاهم‌نامه امضا شده میان رئیس‌جمهور ایران و آمریکا

بنده نظر دیگری داشتم

رئیس‌شورای‌عالی‌امنیت‌ملی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه آن را صادر نمودم. از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود.

اما بدیهی است مذاکرات حضوری که در آینده برقرار خواهد شد، به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود. امیدواریم که دعای خیر سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف انواع نصرت‌ها و فتوحات، برای ملت باشرف ایران به ارمغان آورد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۸ خرداد ۱۴۰۵

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی خطاب به ملت پرشورو باوفای ایران در خصوص تفاهم‌نامه‌ای که میان رئیس‌جمهور ایران و آمریکا امضا شد، گفتند: بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به عنوان

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
ملت پرشور و باوفای ایران!
همانگونه که مطلع شدید، تفاهم‌نامه‌ای بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا امضا شد. در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر، از سردلسوزی و باخسن نظر، تلاش‌های زیادی را به عمل آوردند و البته این رئیس‌جمهور آمریکا بود که از روی استیصال، از انواع اهرم‌ها برای این امر استفاده می‌کرد.

پیام راهبردی رهبر انقلاب تلاش برای بازنمایی از تغییرریل جمهوری اسلامی را ناکام گذاشت

علی‌الاصول



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه‌ی آن را صادر نمودم.»

اصول ثابتی که جمهوری اسلامی ایران هرگاه نسبت خود با آمریکا و به تبع آن رژیم صهیونیستی را تغییر داده، بارها و بارها در بیان و عمل حضرت امام ره، رهبر شهید انقلاب و پیام‌های رهبری سوم انقلاب اسلامی مورد هشدار قرار گرفته، امری پوشیده، پیچیده و یا غیرقابل فهم نیست. این اصول در عمل نیز بارها و بارها در تجربه ۴۷ ساله جمهوری اسلامی در ارتباط با آمریکا به اثبات رسیده بود، اما نکته مهم اینجاست که کدام ویروس خطرناک، مسئولین و اعضای شورای عالی امنیت ملی را آلوده است که مسیر توفیق را در تکرار همان مسیر امتحان شده و شکست‌خورده امتیازدهی به آمریکا دیدند؟ هشدارهای خیابان و برجسب‌های وقایع

از زمان شروع مذاکرات اسلام‌آباد و رفت‌وبرگشت‌های دیپلماتیک با موضوع پایان جنگ، نگرانی‌ها نسبت به مذاکره و توافق با فقاتل رهبر شهید و هزاران شهروند بیگناه ایران در جنگ تحمیلی سوم اوج گرفت. این نگرانی‌ها با خبرسازی‌های روزانه و بلکه ساعتی رئیس‌جمهور آمریکا و رسانه‌های صهیونیستی درباره مفاد تفاهم‌نامه و یا حذف و اضافات بنده‌های مورد مذاکره تشدید هم میشد. مخصوصاً که صحن علنی مجلس شورای اسلامی هم تعطیل بود و رسانه‌های خاص نیز با استناد به منابع ناآگاه، سیلی از مطالب غیرمستند و غیردقیق را به افکار عمومی کشاندند. نگرانی درباره میراث و دستاوردهای ایران در جنگ ۴۰ روزه به‌ویژه حفظ مدیریت ایران بر تنگه راهبردی هرمز، تحقق شروط رهبر معظم انقلاب و شورای عالی امنیت ملی برای آتش‌بس، تکرار تجربه تلخ برجام و بدعهدی‌های طرف آمریکایی و البته نقض عهد رژیم صهیونیستی به عنوان نیروی نیابتی آمریکا در منطقه در موضوع آتش‌بس لبنان

خبر کوتاه

آیت‌الله علم‌الهدی: بند اول تفاهم‌نامه همچنان نقض می‌شود

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه مشهد در حرم مطهر رضوی (ع)، اظهار کرد: تنگه هرمز تنها ابزاری که توانست رئیس‌جمهور آمریکا را مستأصل کند. اینکه ما روز اول تنگه هرمز را باز کنیم، در حالیکه معلوم نیست این‌ها در طول ۶۰ روز، مفاد تفاهم را اجرا کنند یا خیر، طبیعتاً با تجربه ۷۰ ساله ما جور در نمی‌آید. وی افزود: ماده اول تفاهم که قرار بود براساس آن جنگ به وسیله آمریکا و متحدین او متوقف شود، هنوز اجرا نشده و همچنان نقض می‌شود. متحد درجه یک او اسرائیل است که هنوز به جنوب لبنان حمله کرده و جنایت می‌کند، پس ماده اول تفاهم یعنی توقف جنگ توسط متحد درجه یک آمریکا انجام نشده است. تنگه هرمز را باز کردیم و این‌ها نیز شیعیان ما را به خاک و خون می‌کشند.

تاکید شعام بر بی‌اعتمادی کامل به دشمن بدعهد

دبیرخانه شورای امنیت ملی کشور در واکنش به پیام راهبردی و روشنگرانه رهبر معظم انقلاب در تبیین مذاکرات پیش رو بیانیه ای صادر کرد. در این پیام آمده است: دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به رهبر معظم انقلاب و ملت بزرگوار و قهرمان ایران اطمینان می‌دهد در اجرای تدابیر و دستورات معظم له، به‌ویژه در نگهبانی از حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت، پاسداشت خون شهیدانمان و پیشبرد مذاکرات آینده بر مبنای منافع و مصالح جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه مسامحه نخواهد کرد و تا استیفای کامل حقوق ملت ایران و خونخواهی خون پاک و مطهر رهبر شهیدمان، از پای نخواهد نشست. در این راستا، بای بی‌اعتمادی کامل به دشمن بدعهد و پیمان‌شکن و با نظارت دقیق برفرانید مذاکرات و اجرای برنامه‌ها، چنانچه تخطی و تخلفی از جانب طرف آمریکایی صورت گیرد، طبق برنامه از پیش تعیین شده، اقدام متقابل صورت خواهد گرفت.

حملات به لبنان روح و متن توافق را نقض کرد

جبهه پایداری انقلاب اسلامی در مورد یادداشت تفاهم ایران و آمریکا و تبعات آن بیانیه‌ای منتشر کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: نقض عهدهای مکرر از رژیم صهیونیستی به هیچ وجه نباید بی پاسخ بماند، اقدام جنایتکارانه‌ی رژیم صهیونیستی در بمباران منطقه‌ی نبطیه که در سایه‌ی امضای این تفاهم‌نامه رخ داد، بیش از پیش ماهیت کثیف این رژیم و عدم پابندی طرف مقابل به اصول توافق، به ویژه بند اول آن در خصوص توقف کامل عملیات نظامی و تضمین تمامیت ارضی لبنان را آشکار ساخت. این حملات، نقض آشکار روح و متن توافق محسوب می‌شود.

خضریان: همه ملت منتظر تحقق شروط هستند

اکنون که رئیس‌جمهور از طرف خود و سایر اعضای شورای عالی امنیت ملی در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به رهبر معظم انقلاب تعهد و تصریح به قبول مسئولیت نمودند و ایشان نیز بر خلاف نظر مبارکشان، مجوز تفاهم‌نامه را صادر کردند؛ همه ملت در کنار رهبری منتظر تحقق شروط گفته شده هستند. وی افزود: اگر مسیر مذاکره و توافق بتواند بدون خدشه به مؤلفه‌های بازدارندگی ایران، بخشی از فشارهای اقتصادی و امنیتی را کاهش دهد، می‌تواند یک ابزار تاکتیکی برای افزایش قدرت ملی باشد؛ اما اگر همانند توافق برجام موجب محدودیت‌های یک‌جانبه و کاهش توان بازدارندگی شود، تهدیدی علیه امنیت ملی تلقی می‌گردد که می‌بایست از تکرار آن خسارت محض خودداری شود.

از جمله مواردی بود که مردم مبعوث در خیابان‌ها و میادین در قالب‌هایی چون شعار و پلاکارد به آن‌ها پرداختند. به اینها می‌توان عدم تحقق پیش‌شرط‌های ایران برای حضور در مذاکرات اسلام‌آباد از جمله آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده کشورمان در قطر را نیز افزود. در این میان سخنان عجیب پزشک‌بان در جلسه با مدیران سازمان صداوسیما و گلایه صریح از انتشار کلیپ‌های سخنان رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره با آمریکا نیز بر نگرانی‌ها افزود.

با این حال و در مقام مقابله با این نگرانی‌های بحق مردم، متأسفانه برجسب‌زنی به جای پاسخگویی و تبیین در دستورکار هیات مذاکره‌کننده و مشاورین آنها قرار گرفت و موجی از برجسب‌ها به منتقدان زده شد. از جمله رئیس هیات مذاکره‌کننده در چهارمین فایل صوتی خود برای منتقدان خط و نشان کشید و گفت: «برخی این روزها با اسم تبعیت از رهبری در حال عمل کردن خلاف خط مشی هستند اما هرکس خارج از چارچوب «ایستادگی، روشن بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن» اقدام کند؛ چه مسئول باشد، چه نخبه سیاسی و چه فعال رسانه‌ای، با پاسخ سخت امت حزب‌الله‌روبرو است.» این فضای مسموم تا جایی پیش رفت که برخی چهره‌های بدنام رسانه‌ای کمپین کمرنگ کردن شروط رهبری برای مذاکره را کلید زدند و مدعی شدند رهبر انقلاب اساساً برای مذاکرات خط قرمزی تعریف نکرده است! این کمپین رسانه‌ای مشکوک در طول این ایام، نیروهای انقلاب را خوارچ، تدریجاً و وحدت‌شکن، سوپر انقلابی، قانون‌شکن، اقلیت، رانت‌خور، کاسب‌تحریم، ضدولایت فقیه و ... خطاب کردند.

عملیات روانی علیه خیابان و تلاش برای منفعل کردن مردم منتقد در سطوح بالایی از دولت همراه بود. از جمله هفته گذشته سندی رسمی از معاونت راهبردی ریاست جمهوری به رسانه‌ها راه یافته که در آن با ادبیاتی نامناسب و زننده درباره تجمعات خودجوش مردم در اجتماعات میدانی و خیابانی اعلام موضع شده بود.

در بخشی از این سند آمده است: بعد از دهه اول محرم یا تشییع جنازه باشکوه رهبر شهید، زمینه برای فرود آرام این تجمع‌ها و عبور هوشمندانه از شرایط ویژه و هدایت جامعه به سمت بازگشت به زیست روزمره، ضرورت قطعی برای تضمین استقلال عمل حاکمیت است.

در بخشی دیگر از متن این گزارش ادعا شده است: استمرار تجمعات، «مانعی جدی در برابر اتخاذ تصمیمات استراتژیک و مصلحت‌اندیشانه در مقاطع حساس خواهد بود.

اکنون و با پیام صریح و قاطع رهبری معظم انقلاب درباره مذاکرات و تفاهم‌نامه مشخص شد اتفاقاً فهم و درک مردم مبعوث‌شده در خیابان و حساسیت آنها به شروط و خطوط قرمز رهبری از بسیاری از مسئولان و مدعیان بیشتر و بالاتر بوده است.

مقاومت

وقتی توانایی پیروزی را داریم، چرا باید تسلیم شویم؟



تلاش کرده است حاکمیتی را بر سر کار آورد که در مسیر مقابله با مقاومت حرکت کند.

ترامپ اعلام کرده است تفاهم با ایران را برای بررسی و تصویب به کنگره ارسال خواهد کرد؛ مجلس ایران کجا است؟

ثمره حذف مجلس از فرایند تصمیم‌گیری تفاهم اسلام آباد

تعطیلی مجلس شورای اسلامی اکنون به تدریج به مرز چهار ماه نزدیک می‌شود؛ رخدادی کم سابقه که فارغ از علل اولیه امنیتی، پرسش‌های جدی و بنیادین درباره جایگاه نهاد قانون‌گذاری در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر کشور برانگیخته است. در شرایطی که پس از تفاهم میان ایران و آمریکا، فضای سیاسی وارد مرحله‌ای تازه شده، انتظار می‌رود مجلس هرچه سریع‌تر به وضعیت عادی فعالیت بازگردد. با این حال، خسارتی که این تعطیلی ممتد بر اعتبار، شأن و کارکرد نهادهی مجلس وارد کرده، به سادگی قابل ترمیم نخواهد بود. کشوری که هم‌زمان تجربه جنگ و سپس مذاکرات پیچیده را از سر گذرانده، بیش از هر زمان دیگری نیازمند حضور فعال قوه مقننه و جریان مستمر تضارب آراست.

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

در روزهایی که ایران درگیر جنگ با آمریکا و اسرائیل بود، پارلمان‌های طرف مقابل نه تنها تعطیل نشدند، بلکه در همان شرایط بحرانی نیز جلسات متعدد و مستمر برگزار کردند. کنگره آمریکا در آن مقطع، نشست‌ها و رأی‌گیری‌های متعددی در خصوص موضوعات مرتبط با جنگ و حدود اختیارات دولت برگزار کرد و کنست اسرائیل نیز علی‌رغم شرایط جنگی، فعالیت‌های علنی و کمیسیون‌های تخصصی خود را ادامه داد. این تجربه به روشنی نشان می‌دهد که حتی در شرایط سخت امنیتی نیز پارلمان‌ها به عنوان جزء لاینفک سازوکار تصمیم‌گیری و نظارت، از چرخه اداره کشور حذف نمی‌شوند.

در ایران اما مسیر متفاوتی طی شد. تعطیلی طولانی مجلس این برداشت را تقویت کرده که در یکی از حساس‌ترین بزنگاه‌های سیاسی و امنیتی، مهم‌ترین نهاد قانون‌گذاری کشور عملاً از فرایند تصمیم‌سازی کنار گذاشته شده است. حتی اگر این تصمیم در آغاز بحران واجد توجیهاتی تلقی می‌شد، استمرار آن تا نزدیک چهار ماه، پرسش‌های متعددی را درباره ضرورت، کارآمدی و پیامدهای چنین وضعیتی ایجاد کرده است.

این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که دونالد ترامپ اخیراً اعلام کرده تفاهم با ایران را به کنگره ارسال خواهد کرد. با این حال، طنز تلخ ماجرا آنجاست که برخی نمایندگان مجلس ایران صراحتاً اعلام کرده‌اند پس از امضای تفاهم، از جزئیات و مفاد آن اطلاعی نداشته‌اند؛ امری که از منظر کارکرد نهادی، پرسش‌برانگیز و در عین حال نگران‌کننده تلقی می‌شود. شاید بازخوانی بیانات رهبر شهید انقلاب

شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله لبنان در مراسم عزاداری حضرت امام حسین (ع) در جوار مرقد شهید سید حسن نصرالله در ضاحیه جنوبی بیروت اظهار داشت: دشمن نتوانست باورها، استواری، پایداری و تداوم حضور ما را در میدان در هم بشکند و ما همچنان در صحنه حضور داریم و همه سختی‌ها و تحریم‌ها را تحمل می‌کنیم. او افزود: همه خسارت‌های سنگین، به مراتب کم‌هزینه‌تر از تسلیم شدن و شکست‌پذیری است. اگر توانایی دستیابی به پیروزی را داریم، چرا باید تسلیم شویم؟ وی با بیان اینکه لبنان در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ خود قرار دارد، هشدار داد که کشورش با «خطرناک‌ترین پروژه توطئه» و جدی‌ترین تهدید علیه آینده خود مواجه است. وی با بیان اینکه هدف این طرح، پایان دادن کامل به مقاومت در لبنان از طریق جنگ، ویرانی و فشارهای همه‌جانبه است و افزود که پس از تحولات سوریه، دشمن از توافق ۲۷ نوامبر عقب‌نشینی کرده و



نهاد قانون‌گذاری می‌تواند پاسخ مناسبی به پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری باشد، یا آنکه تقویت سازوکارهای نهادی و مدیریت اختلاف نظرها در چارچوب قانونی، راه حل اصولی‌تری محسوب می‌شود؟

اکنون که فضای سیاسی کشور وارد مرحله‌ای تازه شده، بازگشایی مجلس صرفاً یک مطالبه سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه ضرورتی در راستای بازسازی بخشی از سرمایه نهادی نظام حکمرانی به شمار می‌آید. اگرچه ممکن است بخشی از فرصت‌های نظارتی و تقنینی از دست رفته قابل جبران باشد، اما بازسازی جایگاه نهادی مجلسی که در یکی از حساس‌ترین مقاطع معاصر غایب بوده، امری به مراتب دشوارتر و زمان‌برتر خواهد بود.

در نهایت، آنچه در این میان اهمیت دارد، بازگشت به اصولی است که هم در اندیشه امامین انقلاب و هم در گفتمان کلی نظام بر آن تأکید شده است؛ یعنی اتکای تصمیم‌گیری‌های کلان بر سازوکارهای جمعی، نهادهی و مبتنی بر تضارب آرا، نه تمرکز در حلقه‌های محدود.

از این منظر، استمرار وضعیت فعلی مجلس با این مبانی در تعارضی قابل تأمل قرار می‌گیرد و بازاندیشی در آن را ضروری می‌سازد.

یادداشت

مسئولیت تبعات توافق

با آمریکا را بپذیرید

سپهر خلجی

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

بسیاری از دلسوزان در این بیش از ۱۰۰ روز در رسانه و خیابان در عین حمایت از میدان و دیپلماسی در برابر دشمن جنایتکار، با مرور تجربه‌های تلخ گذشته نسبت به روند دیپلماسی دغدغه‌هایی داشته و دارند که تماماً مستند به نواهی، هشدارها و تذکرات امام شهید و رهبر معظم انقلاب در این زمینه است. نواهی و هشدارهایی که در مقاطع سرنوشت‌ساز یا از آن تخطی کردند و یا در التزام و پایبندی دقیق به آن کوتاهی و ترک فعل شد. نتیجه این ترک فعل‌ها، گوش نکردنها، خطاهای محاسباتی و یا شانه خالی کردنها علاوه بر مجموعه‌ای از خسارات مادی از جمله تشدید تحریم‌ها در شرایط تداوم مذاکره، کشور را با خسارت‌هایی غیرقابل جبران از جمله تحمیل دو جنگ، شهادت مردم و فرماندهان و دانشمندان و از همه مهمتر شهادت امام عزیزمان مواجه کرد. اما آیا حامیان، پشتیبانان و مذاکره‌کنندگانی که در شرایط نقد دغدغه‌مندانه دلسوزان، از این مسیر منتهی به توافق حمایت می‌کردند در برابر خسارات احتمالی روند مذاکره و تبعات آن پاسخگو و مسئولیت‌پذیر خواهند بود؟ از یاد نمی‌بریم مهم‌ل‌گویی‌ها، رویافروشی‌ها و وعده‌های پوچ سلاطین دیپلماسی و مذاکره‌کنندگان گذشته را. از لغو بالمزه تحریم‌ها تا حل همه مشکلات کشور از طریق برجام! مذاکره‌کنندگان خسارت محض در همايشهای پرسروصدا تقدیر شدند، مدال لیاقت و سکه دریافت کردند اما هیچکس در قبال رویافروشی و خطای برآوردی آنان در تحمیل خسارت به کشور نه پاسخگو بود و نه محکمه‌ای برای پاسخگو کردن آنان برگزار شد. هیچ‌کس برای ورود فرانچسکو در روند مذاکرات، جا دادن اسنپ‌بک در لایلای متن توافق و باگهای توافق که به پاره شدن و عدم اجرای مفاد توافق از سوی طرف مقابل منجر شد و اتفاقاً همه این موارد از قبل مورد تذکر و هشدار قرار گرفته بود، جوابگو نبود و مؤاخذه نشد. هیچکس به خاطر خطای برآورد از مذاکرات با آمریکا مورد بازخواست قرار نگرفت، هیچکس بقیه رویافروشان که مدعی بودند با مذاکره با آمریکا هم چرخ اقتصاد و هم چرخ سانتریفیوژها می‌چرخد را نگرفت، هیچ مقامی به دلیل به خطر انداختن منافع و امنیت ملی به دلیل اصرار بر نظر اشتباه از مسئولیت برکنار نشد در حالیکه امام شهید با دقت و هوشمندی همه اتفاقات تلخ روند مذاکره با آمریکا را با ریزبینی و دقت پیش‌بینی کرده و به صورت مستمر هشدار و انذار داده بودند.

الان باید مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مذاکره‌کنندگان و حلقه‌های مشورتی آنان در قبال تصویری که از توافق می‌سازند، وعده‌هایی که می‌دهند، برآوردی که دارند و امضایی که می‌کنند و تبعات آنچه اتفاق خواهد افتاد یک اصل مهم و مورد مطالبه ملی باشد. بعد از آن همه تجربه‌های تلخ ملی و هزینه‌های سنگین و غیرقابل جبرانی که پرداختیم اشتباه فاحش ادوار قبلی مذاکرات نباید تکرار شود و اگر تکرار شد نباید بدون مجازات بماند. برخلاف همه نواهی و تحذیرهای امام شهید و برخلاف نظر اصولی رهبر انقلاب با اصرار و اعمال سکوت پادگانی و قرارگاهی حتی به قیمت تعطیل کردن تاریخ و بی سابقه یک قوه قانونی کشور، با آمریکای جنایتکار و بدعهد و قاتلان امام شهید مذاکره شد. چنانچه طبق نظر اصولی رهبر انقلاب و پیش‌بینی بسیاری از منتقدان دلسوز مذاکرات با عدم پایبندی آمریکا و ورود کشور به دور جدید جنگ و یا خسارت بیشتر در سایر ابعاد مواجه شود چه کسی پاسخگو است؟ به عبارتی امام شهید، رهبر معظم انقلاب، منتقدان و مردم معیوث در خیابان در این چند ماه با فریاد، یادداشت، مصاحبه، نامه، بیانیه، پلاکارد، شعار، تجمع و... آنچه شرط بلاغ بود را گفتند. منطقی نیست افراد و یا جریانی با اصرار در مسیری گام بردارند که نتیجه مسیر طی شده تاکنون شکست در برابر خدعه آمریکا بوده اما مسئولیت نپذیرند! در این دور از توافق با آمریکا باید تیم مذاکره‌کننده مسئولیت صفر تا صد مذاکره و تبعات احتمالی آنرا بپذیرد تا فردای شکست همه برآوردها، جمهوری اسلامی و مردم معیوث بدانند بقیه چه کسانی را باید بگیرند و چه کسانی باید پاسخگو خطای محاسباتی و بی توجهی به انذار دلسوزان و کارشناسان باشند.

عدد خبر

۱۴۹۰۰

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی درباره اینکه حجم نقدینگی چقدر شده است، گفت: این ارقام در سایت آمار بانک مرکزی اعلام شده و به ۱۴۹۰۰ هزار میلیارد تومان (۱۴۹۰۰ همت)، یعنی حدود ۱۵ هزار همت رسیده بود. البته بعد از آغاز سال، این رقم افزایش یافته که پس از نهایی شدن اعلام خواهد شد. وحید ماجد درباره تأمین مالی زنجیره‌ای و غیرنقدی گفت: یکی از اقداماتی که بانک مرکزی آن را دنبال می‌کند، تأمین مالی هدفمند است تا به تولید اصابت کند. تأمین مالی اعتباری به زنجیره‌ها نیز باید با همین هدف انجام شود. ابزار زنجیره تأمین مالی برای این منظور طراحی شده و درصدد هستیم این ابزار را توسعه دهیم.

عدد خبر

۴

قیمت بنزین در آمریکا به دلیل جنگ علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز فشار سنگینی بر خانوارها وارد کرده بود، اما اکنون با توافق اولیه ایران و آمریکا، بهای هر گالن بنزین به زیر ۴ دلار سقوط کرده است. انجمن اتومبیل آمریکا اعلام کرد: متوسط قیمت بنزین معمولی در آمریکا روز پنجشنبه گذشته به ۳.۹۹۹ دلار در هر گالن رسید که نسبت به روز قبل از آن ۰.۷ درصد کاهش یافته است. پیش از جنگ ایران، هر گالن بنزین ۳ دلار بود، اما با بسته شدن تنگه، قیمت آن تا ۴.۵۰ دلار بالا رفت. قیمت گازوئیل هم با کاهش حدود ۱۸ درصدی به ۵.۱۳ دلار رسید، در حالی که پیش از جنگ حدود ۴.۲۰ دلار بود.

عدد خبر

۱۸

میلیون بشکه

شرکت رهیابی محموله‌های نفتی تنکترکز اعلام کرد که ایران از روز دوشنبه هفته گذشته تا دیروز (جمعه) ۱۸ میلیون بشکه نفت صادر کرده است. این شرکت درآمد ایران از این میزان صادرات را یک میلیارد و ۴۴۰ میلیون دلار برآورد کرده است. سی‌ان‌ان نیز گزارش داد از زمان توافق ایران و آمریکا، حداقل ۵ میلیون بشکه نفت ایران به آب‌های آزاد رسیده است؛ توافقی که ترامپ در آن توانست ایران را به واگذاری مدیریت تنگه هرمز وادار کند. شرکت تحلیل انرژی کپلر نیز نوشت: ما حداقل سه نفتکش با پرچم ایران را رصد کرده‌ایم که مجموعاً ۵ میلیون بشکه نفت خام را از محدوده محاصره دریایی آمریکا در خلیج عمان و دریای عرب عبور داده‌اند.

عدد خبر

۹۸

درصد

معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی گفت: حدود ۹۸ درصد بذر مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود و تنها نزدیک به ۲ درصد بذر، آن هم عمدتاً بذرهایی هیبریدی مربوط به سبزی، صیفی و محصولات گلخانه‌ای، از خارج تأمین می‌شود. مجید آتجفی افزود: در گذشته به دلیل اختصاص ارز ترجیحی و محدودیت‌های ارزی بانک مرکزی، تأمین ارز مورد نیاز برای واردات برخی بذرها با تأخیر مواجه می‌شد، اما با پیگیری‌های انجام‌شده، بذر در اولویت نخست تأمین ارز قرار گرفت و در فهرست کالاهایی قرار داده شد که باید از مورد نیاز آن تخصیص یابد. گرانی بذر، مانند سایر نهاده‌های بخش کشاورزی، قابل انکار نیست، بخشی از این افزایش قیمت ناشی از تغییر نرخ ارز است.

نوبنیاد نشان می‌دهد:

بازار سهام برنده بزرگ هفته

بازار سهام در هفته پایانی خرداد ۱۴۰۵ یکی از پرهیجان‌ترین و پرشتاب‌ترین روندهای صعودی ماه‌های اخیر خود را تجربه کرد؛ هفته‌ای که با توافق ایران و آمریکا برای پایان جنگ، موجی از پول‌های سرگردان را به تالار شیشه‌ای سرزایر کرد و شاخص کل بورس با رشد ۱۵.۱۲ درصدی در هفته گذشته برای نخستین بار از مرز ۵۰ میلیون واحد عبور کرد. این در حالی است که بازار طلا، ارز، خودرو و رمزارزها با افت قیمت مواجه شدند.

با این حال شاخص کل بورس تهران از ابتدای امسال (۲۹ اردیبهشت) تاکنون حدود ۳۹ درصد رشد کرده است. در همین مدت شاخص هم‌وزن که تصویر دقیق‌تری از وضعیت بازار ارائه می‌دهد، بازدهی ۴۲ درصدی را ثبت کرده است. میانگین بازدهی صندوق‌های اهرمی نیز حدود ۷۹ درصد بوده که بیش از دو برابر رشد شاخص کل بورس محسوب می‌شود. البته عملکرد این صندوق‌ها یکسان نبوده و تنها چهار صندوق توانسته‌اند بازدهی بالاتر از میانگین این گروه ثبت کنند.

چشم‌انداز بورس در هفته جاری

بهمن فلاح، کارشناس بازار سرمایه، گفت: به نظر می‌رسد با توجه به گزارش‌های ۱۲ ماهه مطلوبی که اکثر شرکت‌ها، به‌ویژه در صنایع پتروشیمی، پالایشی و بانکی منتشر کرده‌اند، بازار بتواند روند مثبت و رو به رشد خود را ادامه دهد. به‌طور مشخص از روز شنبه (امروز) نیز انتظار تداوم روند مثبت در بازار وجود دارد. وی ادامه داد: البته طبیعی است که پس از رشد قابل توجهی که بازار تجربه کرده، دیگر نمی‌توان همان سطح از ارزش و حجم بالای معاملات را انتظار داشت؛ بنابراین هرچند بازار در روز شنبه نیز احتمالاً به مسیر مثبت خود ادامه خواهد داد، اما این رشد یک‌دست نخواهد بود؛ به این معنا که صنایع و سهم‌هایی که گزارش‌های ۱۲ ماهه بهتری ارائه کرده‌اند بیش از سایرین مورد اقبال بازار قرار خواهند گرفت. همچنین احتمال شکل‌گیری چرخش نقدینگی بین صنایع وجود دارد و به‌تدریج سرمایه‌ها از صنایعی که عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند به سمت صنایع پیشرو و دارای گزارش‌های قوی‌تر حرکت خواهند کرد.

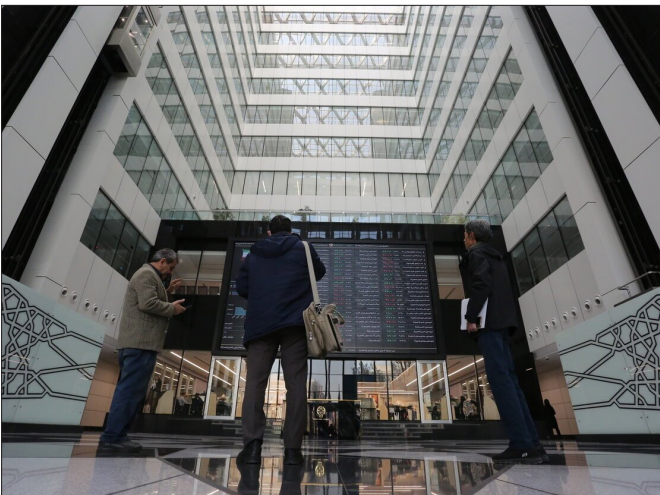
فلاح توضیح داد: طبیعی است که بازارها پس از دوره‌ای از تقاضای بالا به سمت تعادل حرکت کنند و حتی اصلاحاتی را نیز تجربه کنند. شرایط بازارهای موازی، ریسک‌های سیستماتیک، شاخص‌های بنیادی و متغیرهای اقتصادی همگی در جهت تقویت و رشد بازار قرار دارند؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت بازار به روند مثبت خود ادامه دهد، هرچند این روند با نوساناتی همراه خواهد بود. انتظارات باید واقع‌بینانه و عقلایی باشد. احتمال دارد بازار در مقطعی با نوسانات منفی، متعادل یا مثبت همراه شود، اما رشد ممتد و یکپارچه‌ای که در ماه گذشته در اکثر صنایع شاهد بودیم به همان شکل تکرار نخواهد شد.

بازار طلا، ارز، خودرو و رمزارزها افت قیمت را تجربه کردند.

رکورد شکنی شاخص در سایه ورود نقدینگی

معاملات بازار سهام در ابتدای هفته گذشته با موج سنگین تقاضا آغاز شد. در نخستین روز معاملات، شاخص کل بورس تهران با رشد بیش از ۱۰۰ هزار واحد از مرز ۴.۷ میلیون واحد عبور کرد و بازار به‌طور کامل سبزپوش شد؛ به‌طوری‌که بسیاری از نمادها با صف خرید مواجه بودند. روند صعودی بازار در دومین روز هفته نیز ادامه یافت و شاخص کل با رشد بیش از ۱۲۰ هزار واحدی وارد کانال ۴.۸ میلیون واحد شد. همچنین مجموع ارزش معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی در هفته گذشته حدود ۱۳۵ هزار و ۹۲۲ میلیارد تومان بود. روز دوشنبه را می‌توان نقطه اوج هیجان بازار در این هفته دانست. در این روز شاخص کل با جهش ۱۶۱ هزار واحدی به آستانه کانال پنج میلیون واحد رسید و با ورود ۸۹۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار سهام، رکورد ورود پول شکسته شد. روز سه‌شنبه نیز رکوردی تاریخی به ثبت رسید و شاخص کل بورس با رشد بیش از ۱۲۰ هزار واحد برای نخستین بار از مرز پنج میلیون واحد عبور کرد و در محدوده پنج میلیون و ۱۰۰ هزار واحد قرار گرفت. در همین روز نشانه‌هایی از احتیاط در رفتار معامله‌گران نیز مشاهده شد؛ به‌طوری‌که سرمایه‌گذاران اقدام به شناسایی سود کردند و سرعت ورود نقدینگی نسبت به روزهای قبل کاهش یافت. با این حال تقاضا همچنان بر عرضه برتری داشت و بازار توانست رکورد جدیدی را تثبیت کند.

آخرین روز معاملاتی هفته گذشته (چهارشنبه) فضای متفاوتی را رقم زد. پس از چند روز رالی سنگین و صف‌های گسترده خرید، بازار وارد مرحله‌ای متعادل‌تر شد. با این حال شاخص کل بورس با رشد حدود ۵۰ هزار واحدی در سطح تاریخی پنج میلیون و ۱۵۱ هزار واحد تثبیت شد. در این روز شاخص هم‌وزن تنها رشد محدودی را تجربه کرد که نشان‌دهنده توقف نسبی حرکت صعودی نمادهای کوچک بود. همچنین بازار دیگر یک‌دست سبز نبود و تنها حدود نیمی از نمادها در محدوده مثبت معامله شدند. تحلیلگران این تغییر رفتار را نشانه‌ای از افزایش احتیاط معامله‌گران و اصلاح طبیعی بازار پس از یک صعود پرشتاب می‌دانند.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار



حذف دامنه؛ راهکار تعادل در بازار سهام

رضا خانکی، کارشناس بازار سرمایه، بهترین راهکار برداشتن دامنه نوسان است. وقتی هر روز با انباشت تقاضای خرید سهام مواجه هستیم، به این معناست که فعالان بازار سهام به این باور رسیده‌اند که این بازار ارزنده است، اما اجازه افزایش قیمت به آن داده نمی‌شود؛ در نتیجه هر روز به تقاضای صف خرید افزوده می‌شود. ایجاد صف‌های سنگینی خرید نتیجه دستکاری‌های قیمتی و قیمت‌گذاری دستوری است که در بازار سهام خود را در قالب «دامنه نوسان» نشان می‌دهد. چرا در بازار مسکن یا طلا صف خرید وجود ندارد؟ زیرا قیمت‌گذاری دستوری در این بازارها وجود ندارد. اما در بازار سهام، به دلیل وجود دامنه

نوسان، ارزش قیمتی هر سهم در حال حاضر بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی آن است و همین موضوع به شکل‌گیری صف‌های خرید منجر می‌شود.

نبض اقتصاد

احیای صادرات نفت ایران در دولت سیزدهم

صادرات نفت ایران در سال‌های پایانی دولت حسن روحانی، تحت فشار تحریم‌های آمریکا با افتی چشمگیر مواجه شد و درآمد‌های نفتی کشور به پایین‌ترین سطوح خود رسید. در سال ۲۰۲۰، همزمان با تشدید تحریم‌ها پس از خروج آمریکا از برجام و ضعف در مقابله مؤثر با محدودیت‌ها، درآمد نفتی ایران به حدود ۵ میلیارد دلار سقوط کرد و صادرات نفت و میعانات نیز به حدود ۳۴۳ هزار بشکه در روز کاهش یافت. با آغاز به کار دولت سیزدهم از شهریور ۱۴۰۰ (آگوست ۲۰۲۱)، رویکرد تازه‌ای در حوزه دیپلماسی انرژی و فروش نفت در پیش گرفته شد. این دولت با ایجاد زیرساخت‌های جدید در بازاریابی، متنوع‌سازی مقاصد صادراتی و به‌کارگیری سازوکارهای نوین تجاری، زمینه تداوم و افزایش صادرات نفت را فراهم کرد؛ زیرساختی که حتی پس از پایان فعالیت این دولت در شهریور ۱۴۰۳ و آغاز دولت چهاردهم نیز استمرار یافته است.

گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا وابسته به وزارت انرژی این کشور نشان می‌دهد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته و در سال ۲۰۲۵ به ۴۸ میلیارد دلار رسیده است؛ رقمی که حدود ۱۰ برابر درآمد سال ۲۰۲۰ است. در سال ۲۰۲۰ درآمد نفتی ایران به دلیل خروج آمریکا از برجام و اهمال دولت وقت ایران در مقابله با تحریم‌ها به حدود ۵ میلیارد دلار کاهش یافته بود اما در سال‌های بعد روند درآمد ایران از فروش نفت صعودی شد. این درآمد در سال ۲۰۲۱ به ۱۹ میلیارد دلار، در سال ۲۰۲۲ به ۳۸ میلیارد دلار، در سال ۲۰۲۳ به ۴۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۴ به ۴۹ میلیارد دلار افزایش یافته بود. کاهش یک میلیارد دلاری درآمد در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال قبل، ناشی از افت قیمت جهانی نفت عنوان شده، نه کاهش صادرات.

طبق گزارش وزارت انرژی آمریکا، صادرات نفت و میعانات ایران در سال ۲۰۲۵ به یک میلیون و ۵۷۶ هزار بشکه در روز رسیده که نسبت به رقم یک میلیون و ۴۴۵ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۴، رشد ۹ درصدی را نشان می‌دهد. این ارقام بیانگر احیای قابل توجه ظرفیت صادراتی ایران طی پنج سال گذشته است.

در همین راستا، جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیز اذعان کرده است که ایران بدون ارائه تخفیف‌های ویژه نفت خود را به فروش می‌رساند و تحریم‌ها کارایی چندانی در جلوگیری از صادرات نفت ایران نداشته‌اند. این اعتراف صریح، مؤید نقش دولت سیزدهم در خنثی‌سازی تحریم‌ها و بازگرداندن ایران به جایگاه مؤثر در بازار جهانی انرژی است.

نوبیاد گزارش می دهد؛

اعتراف وزیر اقتصاد به تورم خودساخته

در حالی که دولت چهاردهمی ها طی دو ماه اخیر جنگ را عامل اصلی تورم معرفی می کردند، وزیر امور اقتصادی و دارایی در اظهاراتی تلویحی اذعان کرد حتی بدون وقوع جنگ نیز دولت در

سال ۱۴۰۵ با چند صد هزار میلیارد تومان کسری بودجه مواجه بوده است؛ کسری ای که به گفته او، جبران آن از مسیر استقراض از بانک مرکزی، تبعات ترمی قابل توجهی به همراه دارد.



نیماسهیلی

روزنامه نگار

خسارت ها و فشارهای اقتصادی ناشی از این شرایط، دولت با بسیج ظرفیت های اجرایی کشور تلاش کرده است آثار و تبعات سنگین این جنگ اقتصادی و امنیتی را به حداقل برساند. با این حال، در برخی روایت ها چنین القا می شود که گویی هیچ یک از این عوامل وجود ندارد و تمامی مشکلات صرفاً ناشی از عملکرد دولت است. پزشکین با حمله به صداوسیما و متهم کردن آن به ارائه تحلیل های یک جانبه و غیرمستند اظهار کرد: «در شرایطی که دولت به دلیل ملاحظات ملی و امنیتی امکان بیان برخی واقعیت ها را ندارد، رسانه ملی نیز حق ندارد با تحلیل های یک جانبه و غیرمستند به تشویش افکار عمومی و سیاه نمایی نسبت به عملکرد دولت بپردازد.»

سانسور وزیر اقتصاد

در رسانه های نزدیک به دولت

مرور فضای رسانه ای کشور نیز نشان می دهد این اظهارات مدنی زاده در بسیاری از رسانه های نزدیک به دولت، که تا پیش از این جنگ را عامل اصلی مشکلات معرفی می کردند، سانسور شد. از تمام اظهارات مدنی زاده، تنها اشاره وی به افزایش رقم کالا برگ دهک های پایین که در حاشیه این نشست و در جمع خبرنگاران مطرح شد، بازنتاب داده شد؛ اما اظهارات وی درباره مشکلات ساختاری و نقش اصلی آن در مشکلات اقتصادی در حاشیه قرار گرفت.

جراحی ارزی و افزایش هزینه های دولت

اوایل زمستان سال گذشته بود که دولت سیاست جراحی ارزی خود موسوم به یکسان سازی نرخ ارز را انجام داد. با اجرای این سیاست، ارزش تریجی ۲۸۵۰۰ تومانی حذف و نرخ رسمی ۸۵ هزار تومانی در یک روز به حدود ۱۲۸ هزار تومان افزایش یافت. روند افزایش نرخ در مرکز مبادله البته همچنان ادامه یافت؛ تا جایی که در روزهای اخیر به نزدیک ۱۵۰ هزار تومان هم رسید. از همان روزهای نخست اجرای این سیاست، قیمت بسیاری از کالاها جهش چندبرابری یافت. این اتفاق باعث افزایش

سیاست ارزی، عامل افزایش کسری بودجه

مرتضی افقه، استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، می گوید: برآوردها نشان می دهد که کشور امسال با کسری بودجه قابل توجهی مواجه است، اما هنوز معتقد نیستم که بخش عمده این کسری مستقیماً ناشی از جنگ باشد.

البته انتظارات تورمی و آثار روانی ناشی از شرایط جنگی می تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد، اما آثار واقعی و مستقیم این رویدادها هنوز به طور کامل در اقتصاد نمایان نشده است. در مقابل، بخش مهمی از مشکلات فعلی به سیاست ارزی دی ماه سال گذشته و تورمی بازمی گردد که پس از آن ایجاد شد.

تورم سنگینی که ایجاد شده و در برخی برآوردها به حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد می رسد، هزینه های دولت را نیز به شدت افزایش داده است. دولت به عنوان یکی از بزرگ ترین مصرف کنندگان منابع بودجه ای، خود تحت تأثیر این افزایش قیمت ها قرار گرفته و همین موضوع فشار مضاعفی بر بودجه وارد کرده است.

تقویت طلا و تضعیف دلار در ذخایر بانک های مرکزی

موج خبر

نتایج تازه ترین نظرسنجی شورای جهانی طلا نشان می دهد بانک های مرکزی جهان همچنان نسبت به آینده طلا خوش بین هستند و انتظار دارند سهم این فلزگران بها در ذخایر رسمی کشورها طی سال های آینده افزایش یابد؛ در حالی که چشم انداز دلار آمریکا در میان مدیران ذخایر ارزی چندان مثبت ارزیابی نمی شود. براساس «نظرسنجی ذخایر طلای بانک های مرکزی ۲۰۲۶» که با مشارکت ۷۳ بانک مرکزی در سراسر جهان انجام شده است، ۸۴ درصد پاسخ دهندگان معتقدند سهم طلا از کل ذخایر رسمی جهان در پنج سال آینده افزایش خواهد یافت. این رقم نسبت به سال گذشته که ۷۶ درصد بود، رشد قابل توجهی را نشان می دهد و بیانگر تقویت جایگاه طلا در راهبردهای مدیریت ذخایر ارزی است. این نظرسنجی همچنین نشان می دهد دیدگاه بانک های مرکزی کشورهای توسعه یافته و اقتصادهای نوظهور در این زمینه تفاوت چندانی ندارد و هر دو گروه انتظار دارند وزن طلا در ترکیب ذخایر جهانی افزایش یابد. در مقابل، چشم انداز بانک های مرکزی نسبت به دلار آمریکا با تردید بیشتری همراه شده است. هرچند دلار همچنان مهم ترین ارز ذخیره جهان به شمار می رود، اما شرکت کنندگان در این نظرسنجی معتقدند روند کاهش تدریجی سهم دلار در ذخایر جهانی ادامه خواهد یافت. براساس نتایج نظرسنجی، ۷۴ درصد بانک های مرکزی انتظار دارند سهم دلار در ذخایر رسمی جهان طی پنج سال آینده کمتر از سطح فعلی باشد.

این ارزیابی باروندی که طی سال های اخیر در آمارهای صندوق بین المللی پول مشاهده شده نیز همخوانی دارد. سهم دلار در ذخایر ارزی جهان طی دودهمه گذشته به تدریج کاهش یافته و بخشی از این سهم به طلا و سایر ارزها منتقل شده است. یکی دیگر از یافته های مهم این گزارش، انتظار بانک های مرکزی برای ادامه خرید طلا طی ۱۲ ماه آینده است. ۸۹ درصد پاسخ دهندگان معتقدند ذخایر طلای بانک های مرکزی جهان طی ۱۲ ماه آینده افزایش خواهد یافت. این رقم نشان می دهد اجماع کم سابقه ای در میان سیاست گذاران پولی جهان درباره اهمیت نگهداری طلا شکل گرفته است. علاوه بر این، ۴۵ درصد بانک های مرکزی اعلام کرده اند که احتمالاً در سال آینده ذخایر طلای خود را افزایش خواهند داد. این بالاترین سطح ثبت شده در تاریخ اجرای این نظرسنجی محسوب می شود. در میان اقتصادهای نوظهور، تمایل به افزایش ذخایر طلا حتی پررنگ تر است و حدود نیمی از بانک های مرکزی این کشورها قصد دارند خرید طلا را ادامه دهند. افزایش تنش های ژئوپلیتیکی، تحریم های مالی، نااطمینانی های اقتصادی و نگرانی نسبت به آینده نظام پولی بین المللی از جمله عواملی هستند که طی سال های اخیر بانک های مرکزی را به سمت افزایش ذخایر طلا سوق داده اند. طلا به دلیل نداشتن ریسک اعتباری، نقدشوندگی بالا و نقش سنتی خود به عنوان دارایی امن، همچنان جایگاه ویژه ای در سبد ذخایر کشورها دارد.

در سال های اخیر بانک های مرکزی به یکی از بزرگ ترین خریداران طلا در جهان تبدیل شده اند و خریدهای آن ها در چند سال متوالی از مرز هزار تن در سال عبور کرده است. این روند نشان می دهد بسیاری از کشورها در حال بازنگری در ترکیب ذخایر مصرف کنندگان منابع بودجه ای، خود تحت تأثیر این افزایش قیمت ها قرار گرفته و همین موضوع فشار مضاعفی بر بودجه وارد کرده است.

بسیاری از کشورها به دنبال کاهش تدریجی وابستگی خود به دلار و اوراق خزانه داری آمریکا هستند. اگرچه پایان هژمونی دلار در کوتاه مدت رخ نخواهد داد، اما این روند بیانگر تنوع بخشی آشکار به ذخایر ارزی در جهانی است که به سوی چندقطبی شدن، تشدید منازعات ژئوپلیتیکی و کاهش اعتماد به دارایی های سنتی حاکمیتی پیش می رود.

بین الملل

یادداشت

دم خروس از صحبت‌های
ونس بیرون زد!علیرضا خوش نویس
روزنامه‌نگار

هنوز امضای تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا خشک نشده و هنوز فضای گفت‌وگوهای بعضاً خوش‌بینانه از سوی برخی گروه‌هایی که از مذاکرات با آمریکا تجربه نگرفته‌اند، از تب‌وتاب نیفتاده است که نشانه‌های واقعی از زیاده‌خواهی طرف آمریکایی آشکار می‌شود. معاون رئیس‌جمهور آمریکا، جی دی ونس، با اظهارات خود عملاً در حال زیرسؤال بردن همان مسیری است که واشنگتن مدعی حرکت در آن است.

بر اساس مفاد مطرح‌شده در این تفاهم، ایران پذیرفته است برای مدت ۶۰ روز تگه هرمز را باز نگه دارد و عوارضی از عبور نفتکش‌ها دریافت نکند. اقدامی که در شرایط حساس منطقه‌ای یک امتیاز مهم و قابل توجه محسوب می‌شود. اما واکنش معاون ترامپ به این اقدام چه بود؟ جی دی ونس به جای پذیرش این گام، مدعی شده که این موضوع اصلاً امتیاز محسوب نمی‌شود! این همان نگاه یک طرفه‌ای است که سال‌هاست در رفتار سیاستمداران آمریکایی دیده می‌شود. هر اقدامی از سوی ایران وظیفه تلقی می‌شود، اما کوچک‌ترین تعهد از سوی آمریکا به عنوان لطف و امتیاز معرفی می‌شود.

این اظهارات یک پیام روشن دارد و آن این است که آمریکایی‌ها به دنبال تفاهم واقعی نیستند، بلکه می‌خواهند تنها ایران متعهد باشد و خودشان همچنان دست بالا را حفظ کنند. وقتی مقام ارشد آمریکایی می‌گوید ایران «چیزی به دست نمی‌آورد مگر اینکه رفتار خود را تغییر دهد»، مشخص است که نگاه واشنگتن به تفاهم، نگاه برابر و متقابل نیست؛ بلکه نگاه فشار، مطالبه‌گری و تحمیل است. آن هم در شرایطی که به گفته رئیس‌جمهور آمریکا ذخایر نفتی رو به اتمام بوده است و فشار بر کشورهای غربی روز به روز افزایش پیدا می‌کند.

کاملاً مشخص است که آمریکایی‌ها از همین ابتدا به دنبال دادن امتیاز واقعی نیستند. آنها تلاش می‌کنند وضعیت فشار و تنش را حفظ کنند، حتی اگر ظاهر ماجرا گفت‌وگو و تفاهم باشد. هدف آن‌ها این است که ایران به تعهدات خود عمل کند، اما در مقابل آمریکا همواره راهی برای فرار از تعهدات، ادامه تحریم‌ها یا بازتعریف توافق پیدا کند.

نمی‌توان انتظار داشت ایران گام‌های عملی بردارد و در مقابل، واشنگتن فقط وعده‌های مبهم بدهد یا با اظهاراتی مانند سخنان ونس، فضای بی‌اعتمادی را دوباره تقویت کند. ترامپ هم در همین مسیر قدم می‌زند و روز گذشته صراحتاً گفته است حتی ده سنت هم به ایران نخواهد داد. این همان مذاکرات آمریکایی است که به وضوح نشان می‌دهد رهبری فرزانه و معظم انقلاب اسلامی ایران چرا نظر دیگری داشته‌اند. رفتار اخیر معاون ترامپ بار دیگر نشان داد که مشکل اصلی در روابط ایران و آمریکا فقط اختلاف بر سر موضوعات فنی نیست. مشکل، رویکردی است که آمریکا در آن خود را صاحب اختیار می‌داند و از طرف مقابل انتظار دارد بدون دریافت تضمین، همه خواسته‌های واشنگتن را بپذیرد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

لزوم پایان اجرای
یک طرفه تفاهم

اکنون زمان آن است که این روند یک‌طرفه پایان یابد. نمی‌شود یک طرف به تعهدات خود پایبند بماند و طرف دیگر با بمباران و تهدید، قواعد بازی را تغییر دهد. اگر قرار است تفاهم‌ها معنا داشته باشند، باید هزینه نقض آنها نیز روشن باشد. از بسته شدن مجدد تگه هرمز تا آغاز حملات موشکی به رژیم جعلی صهیونیستی.

جنوب لبنان دیروز بار دیگر زیر آتش سنگین جنگنده‌ها و پهپادهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت. حملاتی گسترده که نه فقط مواضع نظامی، بلکه روستاهایی مانند مناطق اطراف بنت جبیل، عینا الشعب، الخیام، کفرکلا، العدیسه، مارون الرأس و دیگر نقاط نوار مرزی جنوب لبنان در کانون حملات قرار گرفته‌اند. جایی که رژیم صهیونیستی تلاش دارد با تخریب گسترده، شرایط بازگشت ساکنان را دشوار کند و واقعیتی شبیه الگوی ویرانی در غزه ایجاد کند. این سیاست ردیالنه رژیم روز به روز به شهرهای بالایی لبنان نیز دارد سرایت می‌کند و نبطیه یکی از مناطقی است که به صورت گسترده مورد حمله قرار گرفت. این دیگر یک عملیات محدود یا پاسخ

واکنش بن‌گویی به کشته شدن چهار صهیونیست: تمام لبنان باید بسوزد!

ایتامار بن‌گویی، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی و بتسلئیل اسموتریچ، وزیر دارایی این رژیم در واکنش به حملات حزب الله که در پاسخ به نقض آتش بس توسط رژیم صهیونیستی انجام می‌شود، تأکید کردند که لبنان باید به آتش کشیده شود.

ایتامار بن‌گویی، وزیر امنیت ملی راست‌افراطی اسرائیل، روز جمعه پس از آن که ارتش رژیم صهیونیستی از کشته شدن چهار سرباز خود در لبنان خبر داد، گفت: «تمام لبنان باید بسوزد.» او در بیانیه‌ای گفت: «با تمام احترامی که برای آمریکایی‌ها قائلم، اسرائیل باید به روشنی به تمام جهان اعلام کند که خون فرزندان ما و امنیت شهروندانمان موضوع چانه‌زنی نیست و تمام لبنان باید بسوزد.» حملات رژیم صهیونیستی علیه لبنان در حالی صورت می‌گیرد که در متن توافق ایران و آمریکا بر لزوم توقف حملات در تمام جبهه‌ها از جمله لبنان تأکید شده است.

طبق گزارش المیادین، رژیم صهیونیستی شهرک تول در شهرستان النبطیه در جنوب لبنان و شهرک دیرقانون و شهرک‌های عرب‌صالم و الریحان را هدف قرار داد. در این راستا، وزارت بهداشت لبنان اعلام کرد در حملات هوایی رژیم صهیونیستی به شهر النبطیه و صور در جنوب لبنان ۱۸ تن شهید و ۳۳ تن زخمی شدند.

پس از امضای تفاهم بین روسای جمهور ایران و آمریکا ویرانی خانه‌ها و کوچ اجباری مردم جنوب لبنان شدت گرفت

زمان پاسخ به
بدعهدی آمریکاست

آتش بس و امضای سیاسی بین دونالد ترامپ و مسعود پزشکیان مانع بمباران نشد. بمب‌های صهیونیستی بار دیگر بر سر مردم جنوب لبنان فرود آمدند. رژیمی که در غزه زمین سوخته برجای گذاشت، اکنون همان مسیر را در روستاهای لبنان دنبال می‌کند؛ پروژه‌ای برای ویرانی، کوچاندن مردم و تحمیل جدید با زور آتش دنبال می‌شود.

حد بیانیه و محکومیت باقی‌بماند. اکنون زمان آن است که این روند یک‌طرفه پایان یابد. نمی‌شود یک طرف به تعهدات خود پایبند بماند و طرف دیگر با بمباران و تهدید، قواعد بازی را تغییر دهد. اگر قرار است تفاهم‌ها معنا داشته باشند، باید هزینه نقض آنها نیز روشن باشد. از بسته شدن مجدد تگه هرمز تا آغاز حملات موشکی به رژیم جعلی صهیونیستی. ایران بارها اعلام کرده که امنیت و منافع خود و متحدانش را حفظ خواهد کرد. در چنین شرایطی، هرگزینیه‌ای که در چارچوب منافع ملی و امنیت منطقه‌ای باشد، از کاهش سطح تعهدات گرفته تا بازنگری در محاسبات راهبردی، باید روی میز قرار گیرد.

تجربه نشان داده است که عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی، طرف مقابل را به توقف تجاوز تشویق نمی‌کند بلکه او را به فشار بیشتر ترغیب می‌کند. جنوب لبنان امروز یک آزمون است برای اینکه آیا در مقابل اولین بند نقض شده در تفاهم‌نامه با آمریکا اقدام و موضع مقتدارانه خواهیم داشت یا مجدد به دنبال این هستیم تا برخی نگران برهم خوردن تفاهم نشوند؟

رژیم صهیونیستی با تکیه بر قدرت نظامی تلاش می‌کند واقعیت جدیدی بسازد اما پاسخ به چنین رویکردی باید قاطع، حساب‌شده و بازدارنده باشد. منطقه بیش از این تحمل ماجراجویی‌های جنگ‌طلبانه‌ای را ندارد که هزینه آن را مردم بی‌دفاع پرداخت کنند.

اکنون چشم‌ها به تصمیم‌های پیش‌روست؛ اینکه آیا در برابر این حجم از تجاوز و بی‌اعتنايي، واکنشی متناسب شکل خواهد گرفت یا خیر.

مقطعی نیست. آنچه در جنوب لبنان جریان دارد، نقض فاحش آتش بس و ادامه همان رویکردی است که رژیم صهیونیستی در غزه به نمایش گذاشت؛ تبدیل کردن خانه‌های مردم به تلی از خاک.

در همین شرایط، بنیامین نتانیاهو با لحنی طلبکارانه اعلام کرده است که دستور داده جنگ در لبنان با تمام قدرت ادامه پیدا کند. این اظهارات، نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی نه تنها قصد توقف تجاوز را ندارد، بلکه با اتکا به حمایت‌های سیاسی و نظامی آمریکا، خود را فراتر از هر تعهد و توافقی می‌بیند.

سؤال اینجاست که اگر چنین حملاتی، نقض صریح بند نخست یادداشت تفاهم بین ایران و آمریکا برقراری آتش بس در همه جبهه‌های محور مقاومت است و این مورد به طور کامل در لبنان نقض شده است. پس اگر این اقدام نقض توافقی نیست دقیقاً چه معنایی دارد؟ چگونه می‌توان از یک سواز تعهدات و تفاهم‌ها سخن گفت و از سوی دیگر، شاهد بمباران شهرها و روستاهای لبنان بود؟

بند نخست هر توافقی، پایه و ستون آن توافق است. وقتی همان بند اول زیر پا گذاشته می‌شود، سخن گفتن از ادامه مسیر و پایبندی به وعده‌ها چیزی جز آزمودن صبر طرف مقابل نیست. رژیم صهیونیستی بارها نشان داده که زبان فشار و زور را بهتر از زبان تعهد می‌فهمد؛ بنابراین پاسخ به این بدعهدی نمی‌تواند صرفاً در

چگونه پیام رهبر انقلاب بار حقوقی و سیاسی نتایج تفاهم را متوجه بانیان آن کرد؟

سند مسئولیت

پیام آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای درباره تفاهم‌نامه ایران و آمریکا را باید یکی از صریح‌ترین و تاریخی‌ترین پیام‌های صادرشده از سوی رهبران انقلاب دانست؛ پیامی که در آن هم مخالفت اولیه ایشان با رویکرد طی‌شده آشکارا

بیان شد، هم مسئولیت این توافق متوجه بانیان آن شد و هم معیار موفقیت یا شکست تفاهم برای ملت ایران به روشنی مشخص گردید. اکنون دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند پشت کلی‌گویی‌ها و تفسیرهای سیاسی پنهان شود.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

این بحث‌ها پایان دادند و نشان دادند که معیار سنجش این تفاهم‌نه عکس یادگاری مذاکره‌کنندگان، نه تیتروهای خوش‌بینانه رسانه‌های حامی توافق و نه گزارش‌های امیدوارکننده دولتی، بلکه تحقق عینی همان شروطی است که در نخستین روزهای آتش‌بس از سوی شورای عالی امنیت ملی اعلام شد؛ شروطی که از رفع کامل تحریم‌های اولیه و ثانویه و آزادسازی اموال بلوکه شده ایران گرفته تا پرداخت خسارات جنگ، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، توقف کامل جنگ علیه محور مقاومت، تثبیت حقوق ایران در تنگه هرمز و تبدیل همه این موارد به قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت را شامل می‌شد. رهبر انقلاب چندی پیش در پیام روز خلیج فارس نیز تأکید کردند که «ملت ایران همه ظرفیت‌های هویتی، علمی، صنعتی و فناوری‌های راهبردی خود از توان هسته‌ای و موشکی گرفته تا فناوری‌های نوین را سرمایه ملی می‌داند و همان‌گونه که از مرزهای آبی، خاکی و هوایی کشور پاسداری می‌کند.» این سخنان در واقع ترسیم خطوط قرمز بود که نمی‌توان آنها را در میز مذاکره خرج کرد و سپس با وعده‌های روی کاغذ جایگزین نمود.

محور مقاومت و لبنان اولین محک تحقق تفاهم

در حوزه مقاومت نیز ماجرا کمتر از این نیست. در شرایطی که رهبر انقلاب بارها بر جایگاه راهبردی محور مقاومت در منظومه امنیت ملی جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح نیز بارها امنیت لبنان را بخشی از امنیت ایران دانسته‌اند، هیچ بهانه‌ای برای چشم‌پوشی به نقض بند اول تفاهم پذیرفته نیست. اگر یکی از اصلی‌ترین بندهای تفاهم، توقف جنگ در همه جبهه‌ها و به ویژه لبنان بوده است، آنگاه این پرسش به طور طبیعی مطرح می‌شود که چگونه رژیمی که بنا بود بخشی از تعهدات توافق را رعایت کند، تنها دو روز

بعد از اعلام آن ده‌ها بار مفاد آتش‌بس را زیر پا گذاشته است. پرسشی که اهمیت آن زمانی دوچندان می‌شود که سخنان سیدعباس عراقچی را نیز در کنار آن قرار دهیم؛ جایی که وزیر امور خارجه صراحتاً اعلام کرد هرگونه ادامه اشغال لبنان یا هرگونه حمله جدید رژیم صهیونیستی از این پس نقض تفاهم محسوب می‌شود. اگر چنین معیاری پذیرفته شده است، پس اولین آزمون عملی تفاهم نه ماه‌ها بعد، بلکه از همان ساعات نخست آغاز شده است.

مهم‌تر از همه اما این نکته است که تفاهم با آمریکا در شرایط کنونی دیگر میدان آزمون و خطای دوباره‌ای مانند برجام نیست؛ زیرا کشور امروز در موقعیتی قرار ندارد که بتواند از کنار خسارت‌های احتمالی به سادگی عبور کند. هرگونه تصمیم درخصوص اورانیوم ۶۰ درصدی که بازگشت سریع به وضعیت فعلی را ناممکن سازد، هرگونه فرصت دادن به آمریکا و اروپا برای عبور از بحران انرژی ناشی از احتمال بسته شدن تنگه هرمز، هرگونه مهلت برای بازسازی ذخایر راهبردی نفتی غرب، ترمیم توان پدافندی آمریکا و رژیم صهیونیستی و تجدید قوای آنان برای ورود به یک درگیری جدید، هزینه‌ای است که مستقیماً بردوش امنیت ملی ایران قرار خواهد گرفت.

به همین دلیل پیام رهبر انقلاب را باید فراتر از یک موضع‌گیری سیاسی دانست؛ این پیام در واقع سندی است که از امروز مسئولیت نتایج این مسیر را متوجه کسانی می‌کند که با وجود همه هشدارها، بر امکان موفقیت آن اصرار داشتند و اکنون باید پاسخگوی تحقق یا عدم تحقق همان شروطی باشند که رهبر انقلاب صراحتاً آنها را معیار قضاوت ملت ایران معرفی کرده‌اند. مسعود پزشکیان، سیدعباس عراقچی و محمد باقر قالیباف و سایر موافقین تفاهم در شورای عالی امنیت ملی در برابر عواقب تفاهم و توافقی با غرب که تنها نگرانی‌های آمریکا و اسرائیل را برای تهاجم جدید برطرف سازد مسئول هستند.

میدان آزمون، نه آزمایشگاه تکرار خطا

پیام رهبر انقلاب یک هشدار روشن در خود داشت؛ اینکه تفاهم با آمریکا در شرایط کنونی نه یک بازی دیپلماتیک و نه تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته است. اگر این مسیر به تضعیف جبران‌ناپذیر مؤلفه‌های قدرت ملی همچون ذخایر اورانیوم، خنثی شدن خطر بحران نفتی برای غرب، فرصت دادن به دشمن برای تجدید قوا و یا عقب‌نشینی از خطوط قرمز راهبردی منجر شود، مسئولیت آن متوجه کسانی خواهد بود که با وجود «نظر دیگر رهبری»، تحقق شروط را تضمین کردند.

یادداشت

نقاب نئوبرجامی‌های حزب الهی نما افتاد

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

پیام تاریخی رهبر انقلاب علاوه بر ابعاد راهبردی و صریح خود، یک نتیجه مهم دیگر نیز داشت: رسوا شدن جریان‌ی که طی ماه‌های اخیر نه با شمایل شناخته‌شده برجانی‌ها، بلکه در پوشش اصولگرایی و حزب الهی‌گری، مأموریت بزرگ و تظہیر یک تفاهم پرابهام شده بود. جریان‌ی که محور آن در اردوگاه سیاسی محمدباقر قالیباف شکل گرفت و می‌توان آن را «نئوبرجامی‌های حزب الهی» نامید.

از نخستین ساعات انتشار متن تفاهم، رسانه‌ها، اکانت‌های توئیتری و تحلیلگران وابسته به این طیف چنان به میدان آمدند که گویی نه با یک توافق مملو از ابهام و پرسش، بلکه با فتح الفتوحی تاریخی مواجه شده‌اند. هر پرسشی به مخالفت با منافع ملی تعبیر می‌شد و هر انتقادی به حاشیه رانده می‌شد.

در رأس این پروژه، مهدی محمدی قرار داشت؛ مشاور امور راهبردی قالیباف که در فایل صوتی خود تلاش کرد مهم‌ترین برگ برنده تبلیغاتی این جریان را رو کند؛ یعنی انتساب روند موجود به تدبیر و رضایت رهبر انقلاب. او گفت: «بالای سرما ولی فقیه قرار دارد؛ ولی فقیه‌ای آگاه، مبسوط‌الید، شجاع و مسلط بر امور کشور... همین حالا هم که من در خدمت شما هستم، درباره جنگ، مذاکرات، لبنان و همه مسائل کشور که با سرنوشت انقلاب مرتبط است، رهبری تدبیر دارند و تدبیر ایشان مطاع است. کسی خلاف تدبیر رهبری عمل نمی‌کند.» معنای سیاسی این سخنان روشن بود؛ اگر تفاهمی در حال شکل‌گیری است، پس حتماً در چارچوب تدبیر رهبری قرار دارد. اما پیام تاریخی رهبر انقلاب، تمام این روایت‌سازی را با چالش جدی مواجه کرد و نشان داد آنچه به افکار عمومی فروخته می‌شد، بیش از آنکه واقعیت باشد، یک دروغ بزرگ بود. مهدی محمدی قبلاً در فایل صوتی دیگری مدعی شد: «چیزی به نام شروط رهبری وجود ندارد... ما چیزی به نام شروط رهبری نداریم... آن مصوبه نبوده، یک بیانیه بوده است.» این در حالی است که نه تنها اکنون رهبری مخالفت خود را رسماً بیان داشته‌اند بلکه بار دیگر بر تحقق شروط تأکید کردند.

پیش از این سردبیر مشرق‌نیوز و از چهره‌های نزدیک به قالیباف نیز وارد میدان شده و مدعی بود: «هر کسی شروط ده‌گانه را به رهبر انقلاب نسبت می‌دهد باید منبع روشن ارائه کند.»

واقعیت آن است که رسانه‌های نزدیک به تیم مذاکره‌ای و دیگر فعالان لشکر توئیتری و سایبری، در هفته‌های گذشته تمام توان خود را برای ساختن روایتی مطلوب از تفاهم به کار گرفتند و حتی نسخه جمع کردن تجمعات ملت مبعوث را برای باز کردن راه توافقات ضدملی پیچیدند. پیام رهبری معظم انقلاب همه این نقشه‌ها را خنثی کرد و راه را بر جریان تحریف و تسلیم بست.

امارات هم به فکر

مدیریت فضای مجازی افتاد!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

تصمیم تازه امارات شاید برای بسیاری غافلگیرکننده باشد؛ کشوری که معمولاً با اقتصاد آزاد و فناوری شناخته می‌شود، حالا استفاده مستقل کودکان زیر ۱۵ سال از شبکه‌های اجتماعی را ممنوع کرده و حتی پلتفرم‌ها را موظف کرده است با ابزارهای هوش مصنوعی و احراز هویت واقعی، مانع حضور آنها شوند.

این تصمیم را باید بیش از تصویب یک قانون داخلی دانست؛ این اقدام نشانه تغییر نگاه جهان به فضای مجازی است. دیگر کمتر دولتی شبکه‌های اجتماعی را صرفاً بستری برای آزادی بی‌قید و شرط می‌بیند. امروز سخن از سلامت روان کودکان، اعتیاد دیجیتال، تعرض آنلاین، سوءاستفاده از داده‌های شخصی و حفاظت از نسل آینده است.

امادار ایران، هربار که بحثی درباره ساماندهی فضای مجازی یا حمایت از کودکان مطرح می‌شود، پیش از آنکه درباره اصل مسئله گفت‌وگو کنیم، نزاع‌های سیاسی آغاز می‌شود. گویی هر نوع قانون‌گذاری، از پیش محکوم است و هر سخنی از مسئولیت پلتفرم‌ها، مخالفت با آزادی تلقی می‌شود.

واقعیت این است که فضای مجازی ایران سال‌هاست به حال خود رها شده است. کودکان و نوجوانان با کمترین نظارت ممکن به شبکه‌هایی دسترسی دارند که حتی بسیاری از کشورهای مدعی آزادی، برای استفاده از آنها محدودیت‌های سنی و سازوکارهای سختگیرانه تعیین کرده‌اند. با این حال، عجیب‌تر از این رهاشدگی، طلبکار بودن بخشی از جریان رسانه‌ای و سیاسی است؛ جریانی که هرگونه بحث درباره تنظیم‌گری را نه فرصتی برای اصلاح، بلکه بهانه‌ای برای تقابل سیاسی می‌داند.

هیچ‌کس از بازگشت به محدودیت‌های کور دفاع نمی‌کند؛ همان‌گونه که هیچ عقل سلیمی نیز رهاسازی کامل فضای مجازی را تجویز نمی‌کند. مسئله امروز، انتخاب میان آزادی و محدودیت نیست؛ مسئله، مسئولیت‌پذیری در قبال نسلی است که بیش از هر زمان دیگری در معرض آسیب‌های دنیای دیجیتال قرار دارد. شاید وقت آن رسیده باشد که به جای تکرار دوگانه‌های فرسوده، از خود بپرسیم چرا کشورهایی با الگوهای سیاسی متفاوت، از امارات تا اروپا، به سمت حمایت فعال از کودکان در فضای مجازی رفته‌اند، اما ما هنوز بر سر اصل ضرورت این حمایت، درگیر جدال‌های بی‌پایان هستیم.

توقیف در سال‌های اخیر به یک ابزار تبلیغاتی ارزان تبدیل شده است

«کوری» و بازی تکراری توقیف

در سال‌های اخیر شبکه نمایش خانگی، هر خبر درباره «توقیف»، «ممیزی» یا «اختلاف با نهادهای ناظر» می‌تواند به اندازه یک کمپین تبلیغاتی گران‌قیمت اثرگذار باشد. پلتفرم‌ها و سازندگان، آگاه از جذابیت همیشگی «میوه

منوعه»، بارها از تعویق پخش، شایعه اصلاح یا گلایه‌های علنی درباره سانسور، برای جلب کنجکاوی مخاطب بهره برده‌اند. تازه‌ترین نمونه، تعویق انتشار سراسری «کوری» ساخته سجاد پهلوان‌زاده است.



ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

سریالی که قرار بود جمعه ۲۹ خرداد منتشر می‌شد، اما پخشش به زمانی دیگر موکول شد و همین مسئله، شایعه توقیف و سانسور را به صدر گفت‌وگوها برد. با این حال، مرور پرونده چند سال اخیر نمایش خانگی نشان می‌دهد ماجرا همیشه یکسان نیست: برخی آثار پس از هیاهوی بسیار، بی‌درسر پخش شده‌اند، بعضی با اصلاحات بازگشته‌اند و شماری ناچیزی هم واقعا با توقف، تعلیق یا برخورد قضایی روبه‌رو شده‌اند. وضعیتی که مرز میان بحران واقعی و مانور تبلیغاتی را هر روز مبهم‌تر کرده است.

شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر به میدان نبردی برای تصاحب توجه عمومی تبدیل شده است. در چنین بازاری، خبر توقیف از خود محصول کم‌تر دیده نمی‌شود. وقتی هزینه تبلیغات محیطی و دیجیتال بالاست، یک خبر درباره «مخالفت نهاد ناظر» یا «ممیزی سنگین» می‌تواند بدون خرج مستقیم، موجی از بازشر در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایجاد کند. همین الگوست که باعث شده هر تعویقی یا هر تیزر حساسیت‌برانگیزی بلافاصله با گمانه‌زنی درباره سانسور همراه شود.

نمونه تازه، «کوری» است؛ سریالی که اعلام شده بود ۲۹ خرداد پخش می‌شود اما انتشارش به تعویق افتاد. هنوز جزئیات رسمی و روشن علت این جابه‌جایی منتشر نشده، اما تجربه‌های پیشین کافی بود تا بازار شایعه توقیف داغ شود. این واکنش، بی‌دلیل نیست. مخاطب ایرانی طی سال‌های اخیر بارها دیده که اخبار مربوط به ممیزی، خود به بخشی از بسته تبلیغاتی یک اثر تبدیل شده است.

با این حال، همه پرونده‌ها را نمی‌توان در یک سبد گذاشت. برخی آثار واقعا متوقف شده‌اند. «سوشون» از مهم‌ترین نمونه‌های اخیر است؛ مجموعه‌ای که پس از انتشار قسمت نخست با حاشیه‌های جدی روبه‌رو شد و ادامه پخش آن متوقف ماند. در این پرونده، بحث تنها

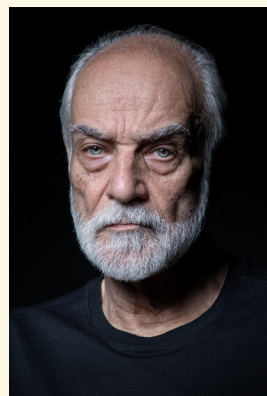
شایعه نبود و ماجرا به اختلاف بر سر مجوز و ملاحظات نظارتی کشیده شد. در مورد «تاسیان» نیز خبر توقیف موقت و کشمکش بر سر ادامه انتشار، نشان داد که توقیف موقت و شایعه‌های حول یک اثر می‌تواند به بیش‌تر دیده شدن آن کمک کند.

در مقابل، نمونه‌هایی هم وجود داشته‌اند که با وجود موج سنگین شایعات، در نهایت بدون اتفاق تعیین‌کننده‌ای منتشر شده‌اند یا پس از اصلاحات محدود به چرخه پخش بازگشته‌اند. درباره «در انتهای شب» از همان ابتدا بحث‌هایی درباره مضمون تلخ، تصویر روابط خانوادگی و ممیزی مطرح شد، اما سریال در نهایت مسیر خود را طی کرد و بیش‌تر از آن که توقیف شود، از حاشیه توقیف سود برد. در سال‌های قبل ترنیز آثاری مانند «زخم کاری»، «سقوط» و «یاغی» و... هر کدام به شکلی درگیر بحث‌های مشابه شدند؛ از اعتراض به خشونت و زبان تند گرفته تا ایرادهای مربوط به پوشش، روابط شخصیت‌ها یا حتی ترکیب بازیگران. اما نتیجه در همه این پرونده‌ها یکسان نبود؛ بعضی با تأخیر، بعضی با حذف و بعضی تقریباً بدون تغییر منتشر شدند.

نکته اصلی همین جاست: تکرار این چرخه، حساسیت مخاطب را تغییر داده است. اگر در دفعات نخست، خبر توقیف به‌راستی حس کنجکاوی و اضطراب تماشا ایجاد می‌کرد، امروز بخش قابل‌توجهی از مخاطبان با تردید به چنین خبرهایی نگاه می‌کنند. آنها می‌پرسند آیا بایک بحران واقعی روبه‌رو هستند یا با تاکتیکی برای بیش‌تر دیده شدن؟ همین بدبینی، مرز میان دغدغه اصیل هنری و حاشیه‌سازی بازاری را کم‌رنگ کرده است. در نهایت، بازی سانسور و توقیف بیش از هر چیز به نفع پلتفرم‌ها تمام شده است. حتی وقتی توقیفی در کار نباشد، نفس شایعه می‌تواند مخاطب را از یک بیننده عادی به جست‌وجوگری و سواسی تبدیل کند؛ کسی که به جای پیگیری کیفیت اثر، دنبال کشف «خط قرمز»‌های پنهان می‌گردد. اما این راهبرد، هرچند در کوتاه‌مدت باز دید می‌سازد، در بلندمدت کارکردش را از دست می‌دهد.

سینمایی سرشناسی به حساب می‌آید و برای بسیاری از دوستداران فرم‌های مختلف هنری فردی شناخته‌شده است، اما باید میان تبحرش در این مدیوم‌ها و مسائل اخلاقی تفاوت قائل شد و به کاراکتر آیدین آغداشلو تا روشن شدن اصل ماجرا فرصتی برای مطرح شدن هرچه بیش‌تر نداد. آبان ۱۳۹۹ بود که روزنامه نیویورک تایمز طی یک گزارش تحقیقی اعلام کرد که تعدادی از زنان، آغداشلو را به سوءرفتار اخلاقی در طول بیش از ۳۰ سال متهم کرده‌اند. آیدین آغداشلو تمامی این اتهامات را قویاً رد کرد و با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که این ادعاها هیچ‌گونه سند و مدرک مستندی ندارند. اما سوالی که در این میان ذهن آدمی را به خود درگیر می‌کند، آن است که چرا باید در یک چنین وضعیتی به آغداشلو تریبون داد؟

برنامه گفت‌وگو محور «منشور» در ادامه شا هکارهایش به سراغ یکی از چهره‌های جنجالی هنر ایران رفت. «آیدین آغداشلو» در حالی مهمان بهاره افشاری در این برنامه بود که پرونده سنگین اخلاقی در موردش وجود دارد. آغداشلو، نقاش، گرافیست و حتی منتقد ادبی و



آیدین آغداشلو و دستپخت جدید خانم مجری



■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ سال اول شماره ۶۸

یادداشت

«فتح خون»

هنوز خواندنی است

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

هر کس بخواهد با ادبیات عاشورایی معاصر آشنا شود، دیر یا زود به نام «فتح خون» و نویسنده‌اش، مرتضی آوینی، می‌رسد. سید شهادی اهل قلم که کوشید واقعۀ کربلا را به مثابه حقیقتی زنده و جاری در جان انسان مؤمن بازخوانی کرده و میان این واقعه تاریخی و انقلاب اسلامی معاصرت ایجاد کند.

آوینی در «فتح خون» سراغ بازگویی صرف ماجرای عاشورا نمی‌رود. او از دل مقتل، متنی می‌آفریند که هم روایت است، هم تأمل، هم سوگ و هم تفسیر. به همین دلیل، این کتاب با بسیاری از آثاری که صرفاً گزارش واقعه یا شرح مصیبت‌اند تفاوت دارد. در اینجا عاشورا فقط یک حادثه در گذشته نیست؛ میدانی است برای سنجش نسبت انسان با ایمان، حقیقت، دنیا، اختیار و فداکاری.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «فتح خون» زبان آن است؛ زبانی شاعرانه، آهنگین، فشرده و سرشار از شور. آوینی نثری دارد که گاه به مرز خطابه و حتی نیایش نزدیک می‌شود. همین لحن، برای بعضی خوانندگان جذابیت اصلی کتاب است. «فتح خون» کتابی نیست که بتوان بی‌حوصله و شتاب‌زده از آن عبور کرد. باید با آن همراه شد، جمله‌ها را مزه‌مزه کرد و اجازه داد تأملات نویسنده آرام‌آرام در ذهن و جان بنشیند.

ارزش این اثر در نوع نگاه آن به عاشورا است. آوینی می‌کوشد نشان دهد کربلا صرفاً صحنه اندوه نیست؛ صحنه انتخاب است، صحنه آشکار شدن حقیقت انسان است و صحنه حماسه. در این نگاه، امام حسین (ع) و قیامشان افق و معیاری برای فهم آزادی و ایمان است.

برای مخاطبی که در کنار متون تاریخی و روایی، به دنبال یک تجربه ادبی و فکری از عاشورا است، «فتح خون» همچنان یکی از مهم‌ترین انتخاب‌هاست. این کتاب شاید ساده‌خوان و عمومی به معنای رایج کلمه نباشد، اما اگر خواننده با زبان و جهان آن ارتباط بگیرد، با متنی روبه‌رو می‌شود که فقط اطلاعات نمی‌دهد؛ حال و آفتاب می‌بخشد. «فتح خون» از همین رو، هنوز زنده است و خواندنش در ایام عزاداری سید و سالار شهیدان، هنوز می‌تواند آفتاب نواز قیام امام حسین به دست دهد.